

مفهوم‌شناسی نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی با تأکید بر مفهوم حیات طیبه*

- مهدی عبداللهی پور^۱
- سیدمحمد نقیب^۲
- علی غضنفری^۳
- علی زُهراب^۴

چکیده

مفهوم رایج تأمین اجتماعی غالباً در حمایت معیشتی دولت‌ها از افراد جامعه خلاصه می‌شود. هرچند مفهوم تأمین اجتماعی، برآمده از تعریفی اصطلاحی و معاصر و برگرفته از نگاه سکولار غرب به نیازهای این جهانی انسان است، لکن به نظر می‌رسد این امر به هیچ وجه مانع از ارائه مفهومی جدید از آن نخواهد بود. در پژوهش حاضر و با روش توصیفی - تحلیلی، مشخصاً به این مسئله پرداخته

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۸.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (abdollahipour@yahoo.com).

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (amin20057@yahoo.com).

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (ali@qazanfari.net).

۴. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول) (mihan54@mihanmail.ir).

شده است که چگونه می‌توان مفهومی از نظام تأمین اجتماعی، بر پایه زندگی مطلوب و بر اساس آموزه‌های قرآن کریم ارائه نمود؟ قرآن کریم کیفیتی از زندگی انسان را با عنوان «حیات طیبه» معرفی نموده است که دارای ویژگی‌هایی است؛ از جمله اینکه حیاتی دائمی، محصول مراتب ایمان و مصادیق گسترده عمل صالح، زندگی کرامت‌مدار، امنیت‌زا و آرامش‌بخش و در نتیجه زندگی شادمانه است. در این کیفیت از زندگی، تأمین زندگی مادی و معیشتی نه تنها مغفول نیست که از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های تشکیل آن است. از سوی دیگر، از آنجا که بنا بر رویکردهای متفاوت به کرامت انسان، هدف غایی نظام تأمین اجتماعی حتی در مفهوم شایع آن، تأمین کرامت افراد جامعه معرفی شده است و این مهم از اهداف اساسی هدایت‌های قرآن کریم است. نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی دارای ارتباطی تنگاتنگ با مفهوم حیات طیبه به عنوان زندگی مطلوب انسان خواهد بود. نتیجه اینکه این نظام، نظامی همسو با حیات طیبه و در راستای تأمین کرامت، امنیت و آرامش هر دو جهانی انسان اجتماعی است و دولت اسلامی به معنای حاکمیت و به عنوان قدرتمندترین نهاد اجتماعی، بیشترین وظیفه تأمین آن را دارد تا جایی که می‌توان ادعا کرد که دولت اسلامی، دولت نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی است.

واژگان کلیدی: تأمین اجتماعی، مفهوم‌شناسی، نظام قرآن‌بنیان، حیات طیبه.

۱. مقدمه

در دوران معاصر، اصطلاحات فراوانی توسط متصدیان امور جوامع انسانی مطرح شده که بیان‌کننده یک نظام، الگو و یا فعالیت سازمانی و متشکل است. یکی از این اصطلاحات، «تأمین اجتماعی» است. در نخستین برخورد با این اصطلاح، ممکن است ذهن به مفهوم گسترده‌ای از نیازهای اجتماعی و تأمین آن در بستر اجتماع منتقل شود، اما با مراجعه به مفهوم و تعریف آن، عمدتاً با مفهوم و تعریفی اقتصادمحور و محدود به حمایت معیشتی و بیمه‌ای مواجه خواهیم شد (میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۹). از سوی دیگر، در جوامع اسلامی که مردم و نهادهای حاکمیتی، رستگاری و سعادت خود را در پیروی از قرآن کریم می‌دانند، بسیار مهم و ضروری است که مفاهیم و اصطلاحات وارداتی، قرآن‌بنیان شده و از ظرفیت عظیم آموزه‌های این کتاب هدایت در راستای نقد

و تعدیل نظام‌های وارداتی و در نهایت ساخت نظام‌های قرآن‌بنیان، بیشترین بهره برده شود. نه تنها هیچ ضرورتی وجود ندارد که اصطلاح تأمین اجتماعی در معنا و مفهوم سازمانی - آن هم معنا و مفهوم غربی و الگوبرداری ناقص آن در جوامع اسلامی - محدود شود، که ضروری است با تعمق در آموزه‌های قرآن کریم، مفهوم و تعریفی جدید از آن ارائه داده گردد.

در پژوهش حاضر، به طور مشخص این مسئله مطرح است که مفهوم و تعریف نظام تأمین اجتماعی با توجه به معارف و آموزه‌های قرآن کریم (نظام قرآنی تأمین اجتماعی) و با تأکید بر مفهوم «حیات طیبه» (نحل/ ۹۷) چیست؟ هدف از این پژوهش، به هیچ وجه تخطئه و بیان ناکارآمدی و یا عدم نیاز به نهادهای تأمین اجتماعی در معنا و مفهوم رایج و اصطلاحی آن نیست؛ زیرا این گونه نهادها بر اساس تعریف و اهداف سازمانی خود، خدمات معیشتی ارزنده‌ای به جامعه هدف خود ارائه می‌دهند؛ بلکه هدف، نگاهی جامع و گسترده به حوزه تأمین اجتماعی است. به این معنا که به نظر می‌رسد در نظام منسجم هدایتگری قرآن کریم و نگاه جامع آن به سعادت و کرامت مادی و معنوی و هر دو جهانی انسان، تعریف و مفهوم تأمین اجتماعی، متفاوت و گسترده‌تر باشد؛ نگاهی که متصدیان و متخصصان حوزه تأمین اجتماعی تنها به آن اشاره کرده و برخوردار از آن را - بی آنکه مفهوم حیات طیبه را شناسایی کنند - لازمه حیات طیبه دانسته‌اند (اخوان بهبهانی، ۱۳۹۶: ۱۰۷). اهمیت این پژوهش زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم پس از انقلاب اسلامی، کوشش‌های فراوانی برای استقرار یک الگوی تأمین اجتماعی بر مبنای اصول و ارزش‌های قرآنی صورت گرفته است (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۷۳)، ولی متأسفانه هیچ‌گاه حتی مفهوم و تعریف آن، به عنوان حداقل کار ممکن، تنقیح و تبیین نشده است. هرچند در حوزه تأمین اجتماعی، پژوهش‌های قرآن‌محور در خوری صورت گرفته است، لکن در همه آن‌ها، به تأمین اجتماعی با مفهوم و تعریف رایج و شایع آن توجه شده است؛ برای نمونه، می‌توان به کتاب *اسلام و تأمین اجتماعی (مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی)* اشاره نمود که در آن به تأمین اجتماعی از منظر مفهوم رایج و سازمانی آن نگاه شده و به محدوده نیازهای معیشتی و حوزه بیمه‌ای کفایت شده است (قابل، ۱۳۸۳: ۲). از مطالعات درخور

توجه دیگر در این زمینه می‌توان به کتاب *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام* و غرب اشاره نمود. ایشان در این کتاب و در فصول هفت‌گانه آن، بحثی عمیق در رابطه با الگوی تأمین اجتماعی در صدر اسلام (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۱)، کشورهای غربی (همان: ۶۸)، نقد و بررسی الگوهای تأمین اجتماعی در نظام سرمایه‌داری (همان: ۱۲۱) و تأمین اجتماعی در ایران (همان: ۱۷۳) نموده است. ایشان در فصل ششم کتاب که بنا بر اظهار خودش مهم‌ترین فصل تحقیق است (همان: ۳) و با عنوان الگوی مطلوب تأمین اجتماعی با نگرش اسلامی (همان: ۲۵۱) با اینکه خود اعتراف دارد:

«برنامه تأمین اجتماعی اسلام، تمامی نیازهای دنیوی و اخروی و مادی و معنوی افراد از جمله نیازهای معیشتی، عبادی، تربیتی و عاطفی، فرهنگی و علمی و... را شامل می‌شود» (همان).

با وجود این، پژوهش خود را به نیازهای معیشتی محدود نموده است: «اما از آنجا که آنچه امروزه در نظام‌های تأمین اجتماعی مطرح است، غالباً محدود به نیازهای معیشتی است، بحث ما نیز... به همین جنبه از تأمین اجتماعی اسلامی خواهد بود» (همان: ۲۵۱-۲۵۲).

در پژوهش‌های دیگر همچون کتاب *پژوهشی در نظام حمایتی اسلام* (حامد مقدم، ۱۳۶۸) و *بهبه‌یستی و تأمین اجتماعی در اسلام* (محمودی و بهادری، ۱۳۸۹) و سایر مطالعات در دسترس نیز همین نگاه، مدنظر بوده است. همچنین در آثاری با عنوان تکافل و تضامن اجتماعی، مطالعاتی با همین رویکرد صورت گرفته است؛ مانند کتاب‌های *التکافل الاجتماعي فی الاسلام و ابرز صوره* (عاقلی، ۲۰۱۵) و *التکافل الاجتماعي فی الاسلام* (ابوزهره، ۱۹۹۱) در مصر. دسته دیگر از مطالعاتی که با مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی در ارتباط است، مطالعات غیر مستقیم و واسطه‌ای است؛ برای نمونه کتاب‌های *فقه السياسة المالية فی الاسلام* (القضاة، ۲۰۰۷)، *السلوک الاجتماعي فی الاسلام* (ایوب، ۲۰۰۶)، *اقتصادنا* (صدر، ۱۴۰۲: ۶۹۷-۷۰۵)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام* (مطهری، ۱۳۷۴)، *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین* (اجتهادی، ۱۳۶۳) و *سیاست‌های اقتصادی در اسلام* (فراهانی فرد، ۱۳۸۶)، از این جمله‌اند. در این گونه پژوهش‌ها به واسطه بحث درباره حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، ورودی به حوزه تأمین اجتماعی شده است. لکن آنچه

در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، کشف و استخراج مفهوم و تعریفی نو از تأمین اجتماعی است؛ مفهوم و تعریفی قرآن‌بنیان که در آن، گستره و راهکارهای اجرایی نظام تأمین اجتماعی را قرآن مشخص خواهد کرد.

۲. مفهوم‌شناسی اصطلاحی (سازمانی) تأمین اجتماعی^۱

در مفهوم اصطلاحی (سازمانی) تأمین اجتماعی، که در سده اخیر رایج شده است (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۵)، اجماعی وجود ندارد. برخی آن را سازوکاری صرفاً اقتصادی می‌دانند که متکفل پشتیبانی و فراهم آوردن نیازهای اقتصادی است و برخی دیگر آن را متکفل تأمین و امنیت غیر اقتصادی نیز در نظر گرفته‌اند (اخوان بهبهانی، ۱۳۹۶: ۱۷؛ آراسته‌خو، ۱۳۹۱: ۳؛ میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۶). همچنین سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۲ و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (ISSA)^۳ صلح پایدار را منوط به عدالت اجتماعی، و عدالت اجتماعی را منوط به تأمین اجتماعی دانسته است (پناهی، ۱۳۷۶: ۷۲). پس از جنگ جهانی دوم، دوره جدیدی از مفهوم تأمین اجتماعی با ویژگی‌های خاص پدید آمد. در این دوره، حقوق تأمین اجتماعی با اشتغال بیمه‌شده مرتبط شد و کسب درآمد به عنوان پیش شرط استفاده از مزایای بیمه مطرح گردید (آراسته‌خو، ۱۳۹۱: ۱۲۱) و از طرفی دیگر، مسئله تأمین نیاز هر فرد از اجتماع مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت و هدف تأمین اجتماعی، تضمین حداقل نیاز معیشتی افراد جامعه شامل مسکن، بهداشت، خوراک، پوشاک و... و حمایت از افرادی شد که بر جامعه حق داشتند (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۷). در تعریف تأمین اجتماعی نیز اجماعی وجود ندارد (اخوان بهبهانی، ۱۳۹۶: ۱۷؛ آراسته‌خو، ۱۳۹۱: ۳؛ میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۶؛ حسینی، ۱۳۹۴: ۲۷). گاه در تعریف آن چنین گفته شده است:

«حمایتی است که جامعه به اعضاء خود از طریق یک سلسله اقدامات عمومی در مقابل فشارهای اقتصادی و اجتماعی که از قطع و یا کاهش قابل توجه درآمد ناشی از

1. Social Security.
2. International Labour Organization.
3. International Social Security Association.

بیماری، حوادث شغلی، بیکاری، از کارافتادگی، سالمندی، مرگ و مراقبت‌های درمانی برای خانواده و فرزندان ارائه می‌کند» (اخوان بهبهانی، ۱۳۹۶: ۲۰).

مقاله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، تأمین اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است:

«تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدیدآمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد» (همان؛ نیز ر.ک: آراسته‌خو، ۱۳۹۱: ۲).

با توجه به عدم اجماع و ابهامات موجود در مفهوم و تعریف سازمانی تأمین اجتماعی، به نظر می‌رسد هرچند مفهوم و تعریف تأمین اجتماعی در نظام سازمانی آن، با حوزه تأمین مالی و اقتصادی گره خورده است، ولی این مطلب به هیچ وجه نباید مفهوم و تعریف آن را محدود به مفهوم و تعریف سازمانی کند و مانع از ارائه مفهوم و تعریفی جدید از آن گردد. این نگاه و رویکرد زمانی تقویت می‌شود که بدانیم برخی از متخصصان حوزه تأمین اجتماعی، حتی در مفهوم اصطلاحی و رایج آن، مفهوم و معنای وسیع و گسترده‌ای برای نظام تأمین اجتماعی قائل شده و هدف نهایی تأمین اجتماعی را فراهم کردن زمینه رشد فضائل اخلاقی و تکامل معنوی برای تمام جامعه دانسته‌اند (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۷۷؛ آراسته‌خو، ۱۳۹۱: ۳). بنابراین به نظر می‌رسد حداقل در کشورهایی با فرهنگ و تمدن شرقی، به ویژه کشورهای اسلامی با محوریت فرهنگ آموزه‌های قرآن کریم، مفهوم تأمین اجتماعی می‌تواند دارای ظرفیتی فراتر از مفهوم برآمده از فرهنگ سکولار غرب باشد.

هرچند این پژوهش در صدد مفهوم‌شناسی و بازتعریفی قرآن‌بنیان از تأمین اجتماعی است، لکن به عنوان پیشنهاد، تعریفی نیز از مفهوم اصطلاحی و رایج (سازمانی) تأمین اجتماعی ارائه می‌گردد:

«تأمین اجتماعی، فراهم شدن باکرامت امنیت و آرامش معیشتی افرادی است که به هر دلیل معقول و مقبولی، از جمله بیماری، حوادث شغلی، بیکاری، از کارافتادگی،

سالمندی، مراقبت‌های درمانی و مرگ سرپرست، فاقد توانایی لازم برای تأمین حداقل معاش خود هستند».

این تعریف دارای سه ویژگی اساسی است: نخست، حفظ عزت و کرامت انسان؛ انسان اجتماعی، به دنبال عزت و کرامت است و هر برخورد و رفتاری را که از عزت و کرامت او بکاهد و آن را مخدوش کند، پذیرا نخواهد بود و اگر در ظاهر و از سر اجبار نیز آن را بپذیرد، در باطن از آن بیزار است و تداوم آن، باعث ایجاد آسیب‌هایی جدی خواهد شد (شاملو، ۱۳۷۸: ۹۱؛ سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۲ و ۱۵۴؛ کاویانی، ۱۳۹۶: ۲۳۰؛ نصری، ۱۳۷۷: ۲۴-۳۲). از این رو، همه سازمان‌ها و نهادهای حمایتی و تأمین‌ی باید حفظ کرامت و عزت افراد مورد حمایت خود را در رأس همه سیاست‌ها و برنامه‌های خود قرار دهند. دوم، تأمین حداقلی؛ از آنجا که منابع مالی نهادها و سازمان‌های حمایتی و تأمین‌ی محدود است، کمترین انتظار از نهادها و سازمان‌های حمایتی، تأمین حداقلی نیازهای معیشتی افراد تحت حمایت خواهد بود. آری، پس از تأمین حداقلی، حرکت به سوی تأمین حداکثری، قطعاً مطلوب خواهد بود. سوم، دلیل معقول و مقبول؛ تنها ملاک زیر پوشش قرار گرفتن افراد، دلیل معقول و مقبول است. بنابراین حمایت از افرادی که دارای شرایط تأمین حداقلی خود هستند و خودخواسته از آن سر باز می‌زنند، نه دارای توجیه منطقی و معقول است و نه اساساً از وظایف نهادهای تأمین اجتماعی. وانگهی پوشش این افراد، در حقیقت اجحاف به افرادی است که حقیقتاً نیازمند حمایت هستند؛ زیرا با این سیاست، هم تأمین حداقلی افراد مستحق دچار آسیب خواهد شد و هم رسیدن به تأمین حداکثری، هدفی دست‌نیافتنی خواهد بود.

۳. رویکرد قرآنی به نظام تأمین اجتماعی

بی‌تردید کیفیت زندگی و زنده بودن انسان، تنها کیفیت‌های مادی و معیشتی نیست که چه می‌خورد و چه می‌پوشد و در کجا و چه خانه‌ای زندگی می‌کند. کیفیت زندگی انسان، شامل اندیشه‌ها، باورها، کردارها و رفتارهای او نیز هست که در مجموع سبک زندگی او را شکل می‌دهد (کافی، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۳). در قرآن کریم به کیفیتی از زندگی اشاره شده که دارای دو ویژگی اساسی است؛ نخست اینکه محصول ایمان و عمل

صالح است و دیگر اینکه به عنوان زنده شدن و زندگی جدید معرفی شده است: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل / ۹۷)؛ «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

در این آیه، زنده شدن به حیات طیبه و زندگی پاک، محصول عمل صالح مؤمنانه معرفی شده است. از آنجا که ایمان دارای مراتب و درجات، و عمل صالح نیز دارای مصداقی فراوانی است، به نظر می‌رسد فهم حیات طیبه می‌تواند ورودی جدی در فهم و تعریف نظام تأمین اجتماعی با رویکرد قرآنی داشته باشد؛ زیرا اگر تأمین نیازهای انسان در بستر اجتماع را مفهومی مطلق برای تأمین اجتماعی فرض کنیم، در این صورت، گستره و ارتباط ایمان و عمل صالح می‌تواند تأمین‌کننده بسیاری از اهداف تأمین اجتماعی باشد. از این رو، در نخستین گام به مفهوم‌شناسی حیات طیبه پرداخته می‌شود.

۴. مفهوم‌شناسی حیات طیبه

نخستین گام در مفهوم‌شناسی حیات طیبه، بررسی لغوی و معناشناسی واژگان این اصطلاح و بررسی کاربردهای قرآنی این واژگان است که به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. «حیات»

حیات از ریشه «حی و» به معنای زندگی و ضد موت به معنای مرگ است و حی به معنای زنده و ضد میت به معنای مرده است. از این رو هر موجود زنده و صاحب روحی را حیوان می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۳۱۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۱۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۲۱۱) و بدین جهت به باران «حیا» گفته می‌شود که باعث زنده شدن زمین می‌گردد (زمخشری، ۱۴۱۷: ۳/۶۷). واژه حیات و مشتقات آن، ۷۶ بار در قرآن کریم و به مناسبت‌های گوناگون که همگی در ارتباط با معنای لغوی آن است، به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۴۲۸). برخی کاربردها، منطبق با مفهوم لغوی و به

معنای زندگی در مقابل مرگ (انعام/۱۶۲) و زنده در مقابل مرده (مریم/ ۳۱؛ مرسلات/ ۲۶) است. همچنین واژه «حیّ» در پنج مورد به خداوند نسبت داده شده (بقره/ ۲۵۵؛ آل عمران/ ۲؛ طه/ ۱۱۱؛ فرقان/ ۲۸؛ غافر/ ۵۶) که مفاد آن زنده بودن مطلق خداوند و منشأ زنده بودن تمامی زندگان و زندگی آنان است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷/۳۴۶)؛ لکن آنچه بیش از کاربرد حیات در مفهوم لغوی آن در قرآن کریم مطرح است، به کارگیری این واژه در مفاهیم عمیقی است که حقایق را ورای مفهوم لغوی آن روشن ساخته است؛ مفاهیمی مانند حیات اخروی - در مقابل حیات دنیوی- که از آن به «حیوان» (عنکبوت/ ۶۴) به معنای حیات حقیقی، جاویدان و کمال واقعی محصول ایمان و عمل صالح (همان: ۱۴۹/۱۶-۱۵۰) و نیز «دارالقرار» و سرای آرامش و ثبات انسان (غافر/ ۳۹) یاد شده است. قرآن کریم، نه زنده بودن انسان را به نفس کشیدن و گرمی بدن او می‌داند و نه زندگی او را محدود به معیشت این جهان؛ بلکه در آیات متعدد، زنده بودن انسان را به زنده بودن دل و اندیشه، و زندگی حقیقی را زندگی بر محور ایمان به حقایق هستی، مکارم اخلاق و معنویات معرفی نموده است؛ برای نمونه در آیه ۱۲۲ سوره انعام، حیات حقیقی در بهره‌گیری از هدایت‌های الهی و نورانی شدن دل و جان انسان تبیین شده است: ﴿أَوْمَنَ كَان مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...﴾.

این آیه، روشن‌کننده این حقیقت است که انسان تا زمانی که محروم از نور هدایت الهی، ایمان، علم و حکمت باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۵۵۶)، همچون مرده‌ای است که از نعمت حیات محروم است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۷/۳۳۷). همچنین در آیه ۷۰ سوره یس، قرآن کریم انذاردهنده برای کسانی معرفی شده است که زنده هستند: ﴿لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾.

روشن است که این زنده بودن، به معنای زندگی نباتی و حیوانی نیست؛ بلکه زنده بودن گوش دل و جان و اندیشه (انعام/ ۳۶؛ نمل/ ۸۰؛ روم/ ۵۲) و در اثر آن، پیروی از حق و حقیقت است. در این آیه، ایمان به عنوان حیات، و مؤمنان به عنوان زندگان، و کافران به عنوان مردگان تلقی شده‌اند (همان: ۱۷/۱۰۹)؛ مردگانی که نیروی فکر و اندیشه دارند، ولی در عین حال از آن برای سعادت خود بهره نمی‌گیرند؛ چشم‌های روشن و حقیقت‌بین دارند، ولی با آن چهره حقایق را نمی‌نگرند و همچون ناینیان از کنار آن

می‌گذرند و با داشتن گوش سالم، سخنان حق را نمی‌شنوند و خود را از شنیدن سخن حق محروم می‌سازند و در گمراهی، همچون چهارپایان بلکه گمراه‌تر از آنان هستند: ﴿... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف / ۱۷۹).

۲-۴. «طَيْب»

طیب از ریشه «طی ب» به معنای پاک و پاکیزه، و ضد خبیث به معنای ناپاک است (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۷۳/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۳۵/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۶۳/۱) و اصل آن از نظر معنا، هر چیزی است که انسان از آن احساس خوشی، لذت و آرامش می‌کند و برای او دلپذیر و خوشایند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۷). از این رو به خوردن و نکاح و یا خواب و نکاح، «الأطیبان» می‌گویند؛ زیرا برای انسان خوشایند است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۹۰/۲). واژه طیب و مشتقات آن در گستره معارف قرآن کریم، در تبیین ساحت‌های گوناگون زندگی دنیوی و اخروی انسان به کار رفته است. سیرت نیکو و ذات پاک و پسندیده (آل عمران / ۱۷۹؛ مائده / ۱۰۰؛ انفال / ۳۷)، مال پاک (بقره / ۲۶۲؛ نساء / ۲)، رزق و غذای حلال و پاکیزه (بقره / ۱۶۸؛ مائده / ۴؛ انفال / ۶۹)، مطلق پاکی‌ها (اعراف / ۱۵۷)، کلام و سخن پسندیده و هدایتگر (ابراهیم / ۲۴؛ حج / ۲۴؛ فاطر / ۱۰) و ذریه و نسل پاک و مؤمن (آل عمران / ۳۸) از جمله کاربردهای ترکیبی واژه طیب در قرآن کریم است. آنچه از مجموع مفاهیم طیب در کاربردهای گوناگون قرآنی به دست می‌آید، ارتباط محصول امور طیب و پاک با ایمان، تقوا، مکارم اخلاق و عمل صالح (انفال / ۶۹؛ یونس / ۹۳؛ مؤمنون / ۵۱) و در مقابل، ارتباط امور خبیثه و ناپاک با کفر، شرک، رذائل اخلاقی و عمل غیر صالح است (اعراف / ۵۸؛ انفال / ۳۷؛ ابراهیم / ۲۶). بر همین اساس، حیات طیبه محصول ایمان و عمل صالح معرفی شده و در مقابل و به مفهوم مخالف، حیات خبیثه محصول کفر و عمل غیر صالح است (ابراهیم / ۲۴-۲۶).

۳-۴. مصادیق گوناگون حیات طیبه

مفسران در بیان معنا و مفهوم حیات طیبه و در حقیقت ماهیت آن، مصادیقی ذکر کرده‌اند؛ از جمله: رزق حلال، قناعت و رضایت به آنچه خداوند قسمت کرده است،

عبادت خداوند همراه با خوردن غذای حلال، زندگی بهشتی، رزق هر روزه و زندگی برزخی (طوسی، ۱۴۰۵: ۴۲۴/۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۹۳/۶؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۶۷/۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۴۳/۱۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۱). به نظر می‌رسد ذکر مصادیق هم‌جهت و همسو از ماهیت حیات طیبه، نشان‌دهنده مفهوم وسیع آن است؛ یعنی زندگی پاکیزه از هر گونه آلودگی ظلم، اسارت، ذلت و نگرانی و هر آنچه که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۱).

۴-۴. ساحت هر دو جهانی حیات طیبه

برخی مفسران، حیات طیبه را تنها حیات اخروی و بهشتی دانسته‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۶۸/۲۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۵۱/۴)؛ اما این معنا ناتمام به نظر می‌رسد. نه تنها از ظاهر آیه این معنا برداشت نمی‌شود که عبارت ﴿وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ که ظهور در زندگی آخرت دارد، این معنا را مخدوش می‌کند. با توجه به دیگر آیات قرآن کریم و عناصر سازنده حیات طیبه (ایمان و عمل صالح)، می‌توان مطمئن شد که آغاز حیات طیبه انسان در همین دنیاست؛ آیاتی مانند: ﴿نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ (فصلت/ ۳۱)؛ ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...﴾ (یونس/ ۶۲-۶۴)؛ ﴿يَبْتَئِثُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ (ابراهیم/ ۲۷). در تمامی این آیات، آثار ایمان، عمل صالح و تقوا، هر دو جهانی معرفی شده است که خود تقویت‌کننده این نظر است که حیات طیبه نیز این چنین است. از طرفی، آیه کریمه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾ (انفال/ ۲۴) روشن‌کننده این معناست که آغاز حیات طیبه‌ای که نتیجه اجابت دعوت خدا و رسول است، در همین دنیاست و زنده شدن انسان به واسطه حیات پاکی که خود، نتیجه ایمان و عمل صالح است، آثار خود را پیش از آخرت در همین دنیا نشان خواهد داد (تمیمی مغربی، ۱۴۰۹: ۲۰۱/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۶۷/۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶۹/۱۸؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۷۳/۱۴؛ ایوب، ۲۰۰۶: ۱۹). همچنین بنا بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۵۰۹؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۷، ح ۵۲۴) حیات طیبه به قناعت و قنوع تفسیر شده است که علاوه بر اینکه می‌تواند در معنای وسیع خود، جامع

معانی ذکرشده برای حیات طیبه باشد، تأییدکننده این نظر است که آغاز این زندگانی، در همین دنیا است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز ثواب قرائت سوره مزمل در نماز عشاء یا در آخر شب، زنده شدن به حیات طیبه و مردن به مرگی طیب معرفی شده (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۲۰) که مؤید ساحت هر دو جهانی حیات طیبه است.

۵-۴. حیات طیبه، زندگی برتر

پرسشی که در مفهوم حیات طیبه مطرح می‌شود، این است که حیات طیبه چیست که پاداش انسان مؤمنی است که عمل صالح انجام می‌دهد؟ آیا انسان مؤمنی که عمل صالح انجام می‌دهد، هنوز مرده است که به حیات طیبه زنده شود؟ پاسخ این پرسش در صفت این حیات، یعنی «طیبه» است؛ یعنی حیاتی پاک، پاکیزه، آرام و دلپذیر. هرچند انسان مؤمنی که عمل صالح انجام می‌دهد، در مرتبه‌ای از حیات معنوی قرار دارد، لکن هر چه بهتر و بیشتر به این حیات ادامه دهد، به مرتبه‌ای عالی‌تر از حیات دست خواهد یافت که می‌توان آن را زندگی برتر نامید؛ مرتبه‌ای عالی از حیات که گویا روحی جدید در انسان دمیده می‌شود و تا پیش از آن وجود نداشته است و برتر از حیات عمومی انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۲/۱۳۴۲-۳۴۱)؛ زندگی که بنا بر دعای امام

زین العابدین علیه السلام، همراه با شادی مدام، کرامت گسترده و عیش تمام است:

«وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَقَ عُمْرَهُ وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ وَأَثْمَمَتْ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيَتْ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۵۹۴/۲)؛ تمامی احوال مرا اصلاح کن و مرا از کسانی قرار ده که عمر او را طولانی و عمل او را نیکو و نعمت را بر او تمام کرده و از او خشنود شده و او را به حیاتی پاک زنده نموده‌ای؛ حیاتی در بادوام‌ترین شادی و افزون‌ترین کرامت و تمام‌ترین معیشت.

بر پایه این فراز، کسی دارای حیات طیبه است که امور زندگی او بر اساس اراده و حکمت خداوند تنظیم شده است و عمر طولانی خود را در راه خشنودی و رضای خدا صرف می‌نماید و شکر نعمت را با عبادت و بندگی او به جا می‌آورد. در این صورت، چنین شخصی دارای حیات طیبه است و هرچند در طول زندگی با مصائب، کمبودهای مادی و معیشتی و بیماری مواجه شود، باز احساس آرامش، شادی و کرامت می‌نماید و

آن را با روحیه صبر، شکر، قناعت و رضا، معیشتی تمام می‌داند و البته که خداوند نیز پاداش او را به بهترین اعمالی که انجام می‌دهد، خواهد داد: ﴿... وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.

در روایتی از امام رضا علیه السلام نیز بهترین و بدترین معاش، با نگاهی متفاوت بیان شده است:

«أَحْسَنُ النَّاسِ مَعَاشًا... مَنْ حَسَّنَ مَعَاشَ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ... أَسْوَأُ النَّاسِ مَعَاشًا... مَنْ لَمْ يُعِشْ غَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ... أَحْسِنُوا جَوَارِ النَّعْمِ فَإِنَّهَا وَحِشِيَّةٌ مَا نَأَتْ عَنْ قَوْمٍ فَعَادَتْ إِلَيْهِمْ... إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رِفْدَهُ وَأَكَلَ وَحْدَهُ وَجَلَدَ عَبْدَهُ» (ابن شعبه خزّانی، ۱۴۰۴: ۴۴۸)؛ بهترین مردم از نظر معاش، کسی است که با معاش خود، معاش دیگری را نیز تأمین کند و بدترین مردم از نظر معاش، کسی است که همراه با معاش خود، معاش دیگری را تأمین نکند. همسایه خوبی برای نعمت‌ها باشید؛ زیرا که نعمت‌ها وحشی و گریزان هستند و اگر دور شدند، به سختی باز خواهند گشت. بدترین مردم کسی است که از بخشش و عطا دریغ ورزد و تنها بخورد و بنده خود را تازیانه بزند.

با این بیان، تفسیر حیات طیبه به قناعت در روایات امیر مؤمنان علیه السلام (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۵۰۹) بهتر درک می‌شود؛ زیرا بنا بر روایات، نتیجه قناعت و خشنودی به مقدرات الهی، عزتمندی: «بالقناعة يكون العزّ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۹۹) و رهایی از اندوه و پریشانی است: «من قنع لم یغمّ» (همان: ۵۷۹).

بنا بر روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام کسی از نظر معیشت و زندگی مرفه‌تر است که خداوند به او قناعت بخشیده باشد:

«أَنعَمَ النَّاسُ عَيْشًا مَنْ مَنَحَهُ اللهُ الْقَنَاعَةَ...» (همان: ۵۷۹).

بر پایه این روایت، معیشت برخوردار، معیشتی نیست که در آن هیچ گونه کاستی مادی و فقر، تنگدستی و بیماری نباشد؛ بلکه معیشت برخوردار، معیشت همراه با قناعت و خرسندی است؛ معیشت همراه با نفسی که به مقام رضایت رسیده و سختی و آسانی زندگی را پذیرفته است. از این رو امیر مؤمنان علیه السلام نشانه رضایت خداوند از بنده را رضایت بنده از قضای الهی معرفی کرده است؛ هرچند این قضا در ظاهر، علیه او باشد و ناخوشایند جلوه کند:

«عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَنِ الْعَبْدِ رِضَاهُ بِمَا قَضَىٰ بِهِ سُبْحَانَهُ لَهُ وَعَلَيْهِ» (همان: ۴۶۷).

همچنین گواراترین معیشت را معیشت کسی می‌داند که به آنچه خداوند قسمت او کرده است، راضی باشد:

«إِنَّ أَهْنَ النَّاسِ عَيْشًا مِنْ كَانِ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا» (همان: ۲۲۰).

امام حسین بن علی علیه السلام در آخرین لحظات قبل از شهادت، پس از همه مصائب و دانستن مصائبی که پس از شهادت بر خاندان او وارد می‌شود، در مناجات خود با خداوند چنین عرض می‌کند: «صَبْرًا عَلٰی قَضَائِكَ يَا رَبِّ...» و همین مقام صبر و رضا باعث شد که بنا بر نقل شاهدان در روز عاشورا، در استوارترین حالات باشد:

«قَالَ اللَّهُ مَا رَأَيْتُ مَكْتُورًا (مکسورا) قَطُّ قَدْ قُتِلَ وَوَلَدُهُ وَأَهْلُ بَيْتِهِ وَأَصْحَابُهُ أَوْ رِطَ جَأَشًا وَلَا أَضْضَىٰ جَنَانًا مِنْهُ» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۱/۲)؛ به خدا قسم، شکسته‌دلی از کثرت مصیبت و اندوه را که فرزندان و اهل بیت و یارانش کشته شدند، محکم‌تر و استوارتر از حسین ندیدم.

در فرازی از زیارت شریف امین‌الله نیز به این عیش تمام و خرسندی نفس اشاره شده است:

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُجِبَّةً لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَانِكَ، صَابِرَةً عَلٰی نَزْوِلِ بِلَانِكَ، شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ آلَائِكَ» (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: ۴۰).

در این فراز نورانی، نخست، اطمینان و آرامش نسبت به قدر و رضایت و خشنودی نسبت به قضای الهی، و در ادامه، سایر درجات نفسانی، از جمله صبر و شکیبایی در برابر نزول بلا و شکر و ذکر در برابر نعمت‌ها و تفضلات الهی درخواست شده است. نتیجه این اطمینان و خرسندی نفس، ثبات و قرار روح انسان است. از این رو، قرآن کریم پاک و طیب را دارای ثبات و قرار، و ناپاک و خبیث را بی‌قرار و متزلزل معرفی کرده است:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»

(ابراهیم/ ۲۴).

- ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾ (ابراهیم / ۲۶).

در این دو آیه، کلمه طیه به شجره طیه، و کلمه خبیثه به شجره خبیثه تشبیه شده است. در تفسیر کلمه طیه، مصادیقی همچون کلمه توحید (لا إله إلا الله)، ایمان، قرآن، کلمه حسنه و نیز تمامی اوامر الهی ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۸۰/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۱/۱۲)؛ لکن با توجه به آیه ﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...﴾ (ابراهیم / ۲۷) که در آن به تثبیت الهی اهل ایمان در دنیا و آخرت توسط «قول ثابت» اشاره شده است، تفسیر کلمه طیه با قول ثابت در ارتباط خواهد بود و می‌توان نتیجه گرفت که کلمه طیه، هر سخن حقی است که در آن هیچ تغییر و تزلزلی راه ندارد و همیشه ثابت و برقرار است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۱-۵۲). در حیات طیه نیز تزلزل و تغییری راه ندارد و حتی مرگ نیز ادامه آن خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که حیات طیه، حیات حقیقی انسان است؛ حیاتی که سایر طبیعات از جمله مال و رزق پاک و حلال (بقره / ۱۷۲)، سخن و کلام طیب (حج / ۲۴؛ فاطر / ۱۰) و ذریه و نسل پاک (آل عمران / ۳۸) از ثمرات آن است؛ حیاتی که انسان را به عیش مستقر، باثبات و بادوام و در نتیجه آرامشی دلپذیر می‌رساند؛ عیشی که از آن به «قار» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۴۴) و «قریر» (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۰۳/۲) تعبیر شده است:

﴿فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا وَزِيَارَتِي بِهِمْ مُتَبَوَّلَةً وَحَيَاتِي بِهِمْ طَيِّبَةً وَأَدْرَجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۴/۲)؛ خدای من! از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان پاک او درود بفرستی و به واسطه آنان، رزق مرا پی‌درپی و مدام و عیش مرا باقرار و زیارت مرا مقبول و زندگی مرا طیب و مرا در درجات کرامت‌شدگان قرار دهی.

بی‌شک پایانی برای چنین حیاتی وجود ندارد و مرگ، آغاز دریافت تمام و کمال آن است. از این رو مرگ انسانی که در این دنیا، حیات طیه داشته، انتقالی طیب خواهد بود؛ انتقالی در کمال آرامش و سرور: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل / ۳۲).

نکته قابل ملاحظه اینکه همان گونه که در آیه حیات طیه، به مرد مؤمن صالح و زن مؤمنه صالحه، وعده حیات طیه داده شده است، در آخرت نیز به آن‌ها وعده‌ای

مناسب با آن داده شده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه / ۷۲). در نتیجه، حیات طیبه، زندگی است که دلپذیرتر و خوشایندتر از آن وجود ندارد و آن، رضوان و خشنودی خداوند از انسان است. مقام قناعت، خرسندی و خشنودی انسان نسبت به خداوند، نتیجه‌ای جز رضوان و خشنودی خداوند نسبت به انسان نخواهد داشت. با این بیان، مفهوم «نفس مطمئنه» نیز بهتر قابل درک است؛ نفسی که راضیه و مرضیه است؛ یعنی هم از خدای خود خشنود است و هم مورد خشنودی خدای خود است: ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارجعي إلى ربك راضية مرضية﴾ فادخلى في عبادى وادخلى جنتى ﴿ (فجر / ۲۷-۳۰).

۵. مفهوم نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی

آنچه به نظر می‌رسد این است که با توجه به مفهوم و تعریف رایج تأمین اجتماعی - که پیش از این ذکر شد-، بی‌تردید هدف محوری نهادهای تأمین اجتماعی، تأمین باکرامت و عزتمند معیشت افرادی از جامعه است که توانایی تأمین معیشت روزمره خود را از دست داده و به این جهت، عزت و کرامت آن‌ها در معرض آسیب جدی قرار گرفته است و از آنجا که حیات طیبه نیز تأمین‌کننده زندگی باکرامت انسان است، می‌توان از مفهوم آن در جهت ارائه مفهومی جدید از تأمین اجتماعی بهره برد و نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی را با توجه به مفهوم حیات طیبه پی‌ریزی نمود. با این نگاه، تأمین اجتماعی، تنها محدود به تأمین معیشت مادی افراد نخواهد بود؛ بلکه هرآنچه در راستای تأمین عناصر سازنده حیات طیبه، یعنی ایمان و عمل صالح است، در نظام قرآنی تأمین اجتماعی نیز مورد توجه خواهد بود. با این بیان می‌توان فراهم بودن بسترهای اجتماعی لازم برای تأمین کرامت، امنیت و آرامش زندگی دنیوی و اخروی انسان اجتماعی را اساس مفهوم نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی تلقی نمود؛ زیرا حیات طیبه، نه محدود به آخرت است و نه محدود به معنویات:

«حیات طیبه یعنی همه چیزهایی که بشر برای بهزیستی خود، برای سعادت خود، به آن‌ها احتیاج دارد... رفاه، عدالت... علم، فناوری...؛ یعنی زندگی، در رویه مادی و

نیازهای جسمانی و همچنین در لایه‌های نیازهای معنوی پاسخ‌گو باشد...؛ حیات طیبه اسلامی، زندگی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند...؛ حیات طیبه اسلامی، شامل دنیا و آخرت - هر دو- است... یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش... برخوردار باشد و هم از جهت معنوی...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

کلام فوق را روایات فراوانی تأیید می‌کنند که در مذمت فقر و تنگدستی و نیز آسیبی است که به عناصر حیات طیبه یعنی ایمان و عمل صالح وارد می‌کند. در روایتی از امیر مؤمنان خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام چنین آمده است:

«کسی که قوت خود را طلب می‌کند، ملامت مکن؛ زیرا کسی که قوت خود را نیابد، خطایش زیاد می‌شود. پسر! فقیر را حقیر می‌دانند تا جایی که سخنش شنیده نمی‌شود و جایگاهش شناخته نمی‌شود. اگر فقیر راست بگوید، او را دروغ‌گو می‌نامند و اگر زهد پیشه کند، او را نادان می‌خوانند. پسر! کسی که مبتلا به فقر شود، به چهار ویژگی مبتلا می‌شود: ضعف در یقین، نقصان در عقل، سستی در دین و کمی حیا و آبرو. پس پناه می‌بریم به خدا از فقر» (شعیری، بی‌تا: ۱۱۰).

امام زین العابدین علیه السلام نیز در دعای شریف مکارم الاخلاق، توانگری را مایه آبرو و کرامت نفس معرفی نموده است:

«خدای من! بر محمد و آل محمد درود فرست و با توانگری آبرویم را نگاه دار و به تنگدستی خواریم مدار، تا چنان شود که از دیگر روزی‌خواران تو، طلب روزی کنم و از بدترین آفریدگانت، مهربانی جویم و به ستایش کسی که به من چیزی می‌بخشد، دچار شوم و به نکوهش آن کس که بخشش خود را از من دریغ داشته است، گرفتار آیم؛ حال آنکه تو صاحب اختیار بخشیدن و نبخشیدنی» (الصحیفة السجادیة، ۱۳۷۶: ۱۰۰).

بی‌شک بیان امیر مؤمنان و دعای امام سجاد علیه السلام نه تنها با حیات طیبه بیگانه نیست که در راستا و همسو با کسب و تأمین آن است. با این بیان می‌توان نظام قرآنی تأمین اجتماعی را نظام تأمین حیات طیبه دانست؛ به این معنا که در جامعه‌ای که راهبر و کتاب هدایت آن قرآن کریم است، آنچه که باید تأمین و فراهم باشد، تأمین عناصر حیات طیبه، یعنی ایمان و عمل صالح است. این ادعا زمانی تقویت خواهد شد که بدانیم ایمان و مراتب آن و عمل صالح و گستره آن، هم هدف تأمین اجتماعی است و

هم وسیله تحقق آن؛ به این معنا که در نظام قرآنی تأمین اجتماعی، از طرفی تلاش‌ها و سیاست‌ها برای تأمین ایمان و عمل صالح در بستر اجتماع است و از طرفی از ایمان و عمل صالح برای تحقق اهداف تأمین اجتماعی (زندگی با کرامت، امنیت و آرامش) بهره‌گیری می‌شود. برای نمونه، یکی از مهم‌ترین مصادیق ایمان، ایمان به خدای یگانه (توحید) و روز رستاخیز (معاد) است که بر اساس معارف قرآن کریم، یکی از انگیزه‌های نیرومند برای انجام عمل صالح و اجتناب از بسیاری از ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی است (ر.ک: بقره/ ۱۷۷؛ اسراء/ ۳۱-۳۸؛ مؤمنون/ ۱-۱۱). با این مقدمه و برای نمونه، اگر کسی بخواهد به فرد نیازمند و آبرومندی انفاق کند و به او هدیه و یا صدقه -اعم از واجب و مستحب- بدهد، این عمل صالح چگونه باید صورت پذیرد؟ بیان قرآن کریم در پاسخ این پرسش چنین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (بقره/ ۲۶۴).

در این آیه، از منت‌گذاری و اذیت نسبت به کسی که صدقه را دریافت می‌کند، نهی شده است؛ زیرا از یک طرف، با کرامت و حیات طیبه او منافات دارد و از طرف دیگر، موجب بطلان عمل صدقه‌دهنده است؛ زیرا این صدقه، یا واجب است و یا مستحب، که در صورت اول، موجب بطلان عمل و در صورت دوم، موجب حبیط عمل است؛ زیرا کسی که به مبدأ و معاد ایمان دارد، صدقه را تنها به قصد قربت (انسان/ ۹) و بدون منت و اذیت پرداخت می‌کند. بر اساس این مثال، ایمان به مبدأ و معاد، از طرفی نیروی محرکه تحقق یکی از اهداف نظام تأمین اجتماعی، یعنی تأمین معیشت با کرامت افراد آسیب‌پذیر جامعه است؛ زیرا هم اصل انفاق و صدقات واجب و مستحب، تأمین‌کننده اصل معیشت مادی است و هم چگونگی پرداخت آن، تأمین‌کننده عزت و کرامت شخص نیازمند است و از طرف دیگر، تأمین بسترهای اجتماعی لازم برای شکل‌گیری و تقویت ایمان افراد جامعه به مبدأ و معاد، از سیاست‌های راهبردی تأمین اجتماعی است؛ زیرا ایمان، یکی از نیرومندترین انگیزه‌ها برای انجام عمل صالح صحیح و تأمین‌کننده بسیاری از حقوق اجتماعی افراد جامعه است. برای نمونه، در روایتی از پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حق اجتماعی همسایگی، این گونه بیان شده است:

«آیا می‌دانید حق همسایه چیست؟ از حق همسایه، جز اندکی از شما نمی‌دانید. آنگاه باشید که به خدا و روز آخرت ایمان نمی‌آورد کسی که همسایه‌اش از اذیت او در امان نباشد. پس (حق همسایه این است که) اگر از او قرض طلب کرد، به او قرض دهد و اگر خیری به او رسید، به او تهنیت بگوید و اگر شری به او رسید، به او تسلیت بگوید و بنای خانه خود را چنان بلند نکند که همسایه‌اش را از جریان هوای آزاد محروم سازد، مگر با اجازه او، و اگر میوه‌ای خرید، از آن به او هدیه دهد و اگر امکان هدیه نبود، به گونه‌ای به منزل ببرد که همسایه نبیند؛ مبادا که فرزندان همسایه حسرت بخورند. همسایه سه دسته است: آنکه سه حق دارد؛ حق اسلام و حق همسایگی و حق خویشی. آنکه دو حق دارد؛ حق اسلام و حق همسایگی. آنکه یک حق دارد؛ کافری که تنها حق همسایگی دارد» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵؛ ۲/۳۸۸-۳۸۹).

در این روایت، آشکارا به ارتباط ایمان به خدا و معاد و الزام و تکلیف به رعایت حق همسایگی اشاره شده است.

۶. تعریف نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی

با توجه به مفهوم ارائه شده می‌توان تعریف زیر را از نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی با تأکید بر مفهوم حیات طیبه ارائه نمود:

«نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی، کلیه اندیشه‌ها، قوانین، تکالیف و فعالیت‌های منسجم و همسو با معارف و آموزه‌های قرآن کریم، جهت تأمین نیازهای انسان اجتماعی و با هدف دستیابی او به کرامت، امنیت و آرامش است.»

در این تعریف، کرامت، امنیت و آرامش، بدون هیچ قید و تخصیصی لحاظ شده است؛ به این معنا که اگر صحبت از کرامت، امنیت و آرامش انسان است، هرآنچه که تأمین‌کننده آن است، لزوماً باید در بستر اجتماع قرآن‌محور فراهم گردد؛ از جمله: تأمین معیشت مادی (غذای پاک و حلال، پوشاک و مسکن مباح، بهداشت و درمان آسان، برخورداری از خانواده و نسل سالم و پاک و...) و تأمین معیشت معنوی (عقاید حقه، آزادی در انجام اعمال صالح، جامعه مؤمن و اخلاق‌مدار، آموزش و پرورش مؤمنانه و...). همچنین این کرامت، امنیت و آرامش، تنها به زندگی دنیوی محدود نیست؛ بلکه زندگی اخروی را که در ادامه زندگی دنیوی و متأثر از آن است، نیز شامل می‌شود.

با این بیان، هدف نهایی نظام قرآنی تأمین اجتماعی، تأمین بسترهای رشد کرامت، امنیت و آرامش همه افراد جامعه در راستای تأمین حیات طیبه و عناصر سازنده آن یعنی ایمان و عمل صالح است.

۷. حیات طیبه و اجرای نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی

از عناصر سازنده حیات طیبه (ایمان و عمل صالح)، می‌توان در عملیاتی نمودن نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی بهره برد؛ زیرا حتی تأمین معیشت مادی انسان و حفظ کرامت اجتماعی او از این جهت، به هیچ وجه با حوزه ایمان و عمل صالح بیگانه نیست. ایمان به خدای یگانه از یک سو و باور به معاد و نظام ثواب و عقاب از سوی دیگر، همچنین گزاره‌های اخلاقی (حجرات/۱۲) و رویکردهای وجدانی و فطری انسان (قیامت: ۱۴-۱۵) همگی می‌توانند راهکارهای عملیاتی مطمئنی برای اجرای نظام قرآنی تأمین اجتماعی فراهم سازند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۷. نظام ایمان سنجی قرآنی

در مجموعه معارف قرآن کریم، عمل صالح به عنوان محور سنجش ایمان معرفی شده است که ظرفیتی عظیم در راستای اجرای نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی است؛ برای نمونه، به ارتباط انکار معاد و بی تفاوتی نسبت به یتیمان، مسکینان و نیازمندان اشاره شده است: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ۖ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ۖ وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۖ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۖ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۖ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ ۖ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ (ماعون / ۷-۱).

همچنین در سوره حاقه، ارتباط عدم ایمان به خدای یگانه و بی مهری نسبت به مستمندان بیان شده است: ﴿إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۖ وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ (حاقه / ۳۳-۳۴).

در سوره بلد نیز گذر از گردنه‌های سخت روز قیامت، به رسیدگی به معیشت انسان‌های نیازمند و یتیمان وابسته شده است: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۖ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۖ فَكُّ رَقَبَةٍ ۖ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ ۖ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۖ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ (بلد / ۱۱-۱۶).

امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیات چنین فرموده است:

«مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّى يُشْبِعَهُ، لَمْ يَدْرِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ قَالَ: مِنْ مُوجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ إِطْعَامُ الْمُسْلِمِ السَّعْبَانَ. ثُمَّ تَلَا قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ﴾ تَيْمِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَقْرَبَةٍ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۵۱۴)؛ هر کس مؤمنی را طعام داده و سیر کند، هیچ کس، نه فرشته مقرب و نه نبی مرسل، جز خدای رب العالمین، پاداش اخروی او را نمی‌داند. از موجبات مغفرت [الهی] اطعام مسلمان گرسنه است....

همچنین در سوره معارج، یکی از نشانه‌های نمازگزاران راستین، رسیدگی مالی به مستمندان و محرومان جامعه معرفی شده است: ﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (معارج / ۲۲-۲۵).

۲-۷. احکام فقهی تکلیفی

احکام تکلیفی، اعم از عبادات و معاملات (عقود و ایقاعات) نیز یکی از بازوهای قدرتمند اجرایی نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی است؛ برای مثال، مجموعه واجبات کفایی، یکی از راهکارهای عملیاتی و الزام‌آور در نظام قرآنی تأمین اجتماعی است. برای نمونه در احکام «لقیظ»^۱ چنین آمده است:

«آنچه بر یابنده واجب است، نگهداری لقیظ به نحو متعارف می‌باشد... اگر پرداخت نفقه [لقیظ] ممکن نباشد، نفقه او از بیت‌المال یا سهمی از زکات داده می‌شود که مربوط به فقرا، مساکین یا فی سبیل الله است... اگر هیچ یک از این امور ممکن نباشد، یابنده از مسلمین درخواست کمک می‌کند و بر مسلمانان واجب کفایی است که او را یاری کنند...» (دادمزی، ۱۳۹۲: ۵۲۶-۵۲۷).

امر به معروف و نهی از منکر، وجوب اقامه نماز، زکات، خمس، وجوب نفقه زن بر مرد، احکام طلاق رجعی، مباحث عمیق وصیت و ارث، عامل بازدارندگی مباحث غضب، مباحث ضمان و کفالت، بحث ولایت بر صغیر و مجنون در بحث حجر، بحث تفلیس، اعسار و مستثنیات دین در باب قرض، کفارات و بسیاری از احکام تکلیفی که ریشه در آموزه‌های قرآن دارند، همگی بازوهای نیرومند اجرای نظام قرآنی تأمین

۱. انسانی که گم شده و سرپرستی ندارد و فاقد استقلال است.

اجتماعی مبتنی بر مفهوم حیات طیبه هستند؛ زیرا التزام عملی به این موارد، نشان‌دهنده پایبندی به عناصر حیات طیبه یعنی ایمان و عمل صالح و در راستای تأمین کربمانه نیازهای افراد جامعه است.

۳-۷. الزامات قانونی و حقوقی

الزامات قانونی و حقوقی نیز همچون احکام فقهی تکلیفی، از عناصر اجرایی نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی است؛ زیرا ریشه در احکام و قواعد فقهی برگرفته از متن قرآن کریم دارد؛ برای نمونه، در حقوق مدنی که روابط اشخاص را از این لحاظ که عضو جامعه و مدینه هستند، تنظیم می‌کند (کانونیان، ۱۳۸۲: ۸۹)، مواد قانونی وجود دارد که مستقیماً با حیثیت و کرامت انسان اجتماعی و آرامش و امنیت او در ارتباط است؛ مواد قانونی مرتبط با اموال و اشخاص، از قبیل مالکیت، حق انتفاع، سقوط تعهدات، وفای به عهد، تبدیل تعهد، ضمان قهری، اتلاف، تعهدات امین، غایب مفقودالاثراً، ولایت قهری، قیمومیت (نیکویان، ۱۳۹۷). همچنین قانون مسئولیت مدنی و قانون حمایت خانواده (همان)، همگی ضامن اجرای بخشی مهم از نظام قرآنی تأمین اجتماعی، به عنوان نظام تأمین کرامت انسان است. در نخستین ماده قانون مسئولیت مدنی چنین آمده است:

«هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» (همان: ۲۶۶).

همچنین در ماده پنجم این قانون تصریح شده است:

«اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده، در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگی او بشود، واردکننده زیان، مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است» (همان: ۲۶۷).

۸. جایگاه مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی در نظام قرآنی

با توجه به تعریف ارائه‌شده از نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی و شمولیت آن نسبت به تأمین نیازهای انسان و با توجه به اهمیت تأمین معیشت در حفظ کرامت، امنیت و

آرامش انسان، تأمین اجتماعی در مفهوم سازمانی و شایع آن به عنوان حمایت اقتصادی جامعه از اعضای خود، نه تنها بی ارتباط با نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی نیست، بلکه یکی از مهم ترین ساحت های گستره موضوعی آن است. نهادهای تأمین اجتماعی با هدف قرار دادن تأمین معیشت مادی و حمایت بیمه ای افراد تحت پوشش، خدمات شایانی در راستای تأمین کرامت، امنیت و آرامش اجتماعی ارائه می کنند؛ برای نمونه، سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یکی از نهادهای تأمین اجتماعی، تعهدات حمایتی خود به بیمه شدگان را به دو نوع مختلف تقسیم کرده است:

«الف- تعهدات کوتاه مدت شامل: ۱- حمایت های درمانی در موارد بیماری، بارداری، حوادث و...، ۲- پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری، ۳- پرداخت غرامت دستمزد ایام بارداری، ۴- پرداخت هزینه سفر و اقامت بیمار و همراه، ۵- مشارکت در تأمین هزینه پروتز و ارتوز (تأمین هزینه وسایل کمک پزشکی)، ۶- پرداخت غرامت نقص عضو مقطوع، ۷- پرداخت کمک هزینه ازدواج، ۸- پرداخت هزینه کفن و دفن به بازماندگان بیمه شده متوفی، ۹- پرداخت مقرری بیمه بیکاری. ب- تعهدات بلندمدت: ۱- پرداخت مستمری بازنشستگی، ۲- پرداخت مستمری از کارافتادگی کلی، ۳- پرداخت مستمری از کارافتادگی جزئی، ۴- پرداخت مستمری بازماندگان، ۵- پرداخت مزایای نقدی، غیر نقدی و عیدی مستمری بگیران (کمک عائله مندی، کمک هزینه اولاد، عیدی و...)» (کارگروه تدوین راهبردی مطالب درسی آموزش و پرورش سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۲).

این خدمات و حمایت ها با رعایت جنبه های فقهی و حقوقی آن، بدون شک می تواند از مصادیق ایمان، عمل صالح و تعاون بر خیر و تقوا باشد که طبق نص قرآنی «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» (مائده/ ۲)، خود یکی از مهم ترین عناصر اجرایی نظام قرآنی تأمین اجتماعی است.

۹. جایگاه نظام قرآن بنیان تأمین اجتماعی در دولت اسلامی

با توجه به گستردگی نظام قرآنی تأمین اجتماعی، این پرسش مطرح است که آیا این نظام، یک دولت است که متکفل حوزه هایی با این گستردگی باشد و اساساً آیا قدرت و توان پرداخت مطلوب به آن وجود دارد و یا اینکه نظام قرآنی تأمین اجتماعی نیز تنها

در حد تعریف و نظر خواهد بود و به مرحله اجرا نخواهد رسید؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که متکفل اجرای نظام قرآنی تأمین اجتماعی، دقیقاً یک دولت به معنای نهاد حاکمیت است که باید اجرای این نظام، حاکم بر همه شئون آن و پرچمدار تحقق آن باشد و شبانه‌روز، خود را خادم انسان اجتماعی و تأمین‌کننده نیازهای سعادت‌بخش او در تمامی حوزه‌ها به ویژه حوزه عقیده، اخلاق و اقتصاد بداند (صدر، ۱۴۰۲: ۶۹۷ و ۷۰۱): زیرا دولت داعیه خدمت دارد و اساساً فلسفه وجودی آن، اجرای موفق نظام تأمین اجتماعی است (همان: ۶۹۵-۷۲۸؛ واعظی، ۱۳۸۶: ۲۲۴ و ۲۲۸؛ فراهانی‌فرد، ۱۳۸۶: ۸۳-۱۲۶؛ حسینی، ۱۳۹۴: ۲۵۳). بر همین اساس، کلیات و روح نظام قرآنی تأمین اجتماعی - هرچند بدون تصریح به عنوان آن-، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لحاظ شده و اجرای آن توسط دولت اسلامی، تکلیفی قانونی دانسته شده است. در اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی، نظامی بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا معرفی شده است. همچنین در اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، ایجاد رفاه، رفع فقر، برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون شده است. تصریح به عبارت «ایجاد محیط مساعد»، دقیقاً همسو با مفهوم و تعریف نظام قرآنی تأمین اجتماعی است که به صراحت، وظیفه دولت عنوان شده است. روشن است که اطلاق محیط مناسب، شامل همه محیط‌های زندگی انسان و به گونه ویژه، محیط اجتماعی است.

در اصل هشتم، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، مطرح شده است. بر همین اساس، در قانون ۲۴ ماده‌ای حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۹۴، وظایف و مسئولیت‌های مستقیم نهادهای حاکمیت، به عنوان تکلیفی قانونی بیان شده است؛ برای نمونه، ماده ۱۰ این قانون می‌گوید:

«وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفان، شهرداری‌ها و سایر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مکلف‌اند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی فراهم کنند» (منصور، ۱۳۹۸: ۳۸۳-۳۸۴).

اصل دهم، خانواده را به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی کرده و همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها را در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست و استواری آن بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی خواهان شده است. از این رو در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حامی ازدواج دائم به عنوان مبنای تشکیل خانواده و در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی معرفی شده است (نیکوبیان، ۱۳۹۷: ۳۲۱).

در اصل بیست و یکم، به ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست و اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی تصریح شده است. در قانون حمایت خانواده، این اصل قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۴۲ چنین آمده است:

«حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده، با مادر آن‌هاست؛ مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد» (همان: ۳۲۸).

همچنین در ماده ۴۵ به رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی، به عنوان الزامی قانونی تأکید شده است. در اصل بیست و دوم به مصونیت حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل اشخاص از تعرض تأکید شده است. در اصل بیست و نهم، صراحتاً به تأمین اجتماعی در مفهوم سازمانی و شایع آن اشاره شده است:

«برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است

طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند».

اصل سی و یکم، داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی، و دولت را موظف به فراهم کردن آن دانسته است.

نتیجه‌گیری

۱- نه تنها ضرورتی وجود ندارد که در جامعه اسلامی، به تأمین اجتماعی تنها بر اساس تعریف و مفهوم سازمانی آن نگریسته شود، بلکه بر اساس آموزه‌ها و معارف قرآن کریم، باید نظامی قرآن‌بنیان از تأمین اجتماعی ارائه نمود.

۲- نخستین گام برای ساخت نظام قرآنی تأمین اجتماعی، فهم و بازتعریف آن بر پایه معارف قرآن کریم است.

۳- قرآن کریم زندگانی باسعادت انسان را «حیات طیبه» معرفی کرده است که هم ناشی از ایمان و عمل صالح و هم تأمین‌کننده همه نیازهای او در بستر اجتماع است. علاوه بر آن، حیات طیبه، تأمین‌کننده سعادت اخروی انسان نیز هست.

۴- در نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی، هرآنچه با سعادت حقیقی و حیات طیبه هردو جهانی انسان در ارتباط است، حوزه‌ای از حوزه‌های تأمین اجتماعی است.

۵- نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی، کلیه اندیشه‌ها، قوانین، تکالیف و فعالیت‌های منسجم و همسو با معارف و آموزه‌های قرآن کریم جهت تأمین حیات طیبه و با هدف دستیابی انسان به کرامت، امنیت و آرامش است.

۶- در نظام قرآن‌بنیان تأمین اجتماعی، تأمین نیازهای مادی و معنوی و سعادت دنیوی و اخروی انسان، به هیچ وجه جدای از هم نیست و دولت به معنای حاکمیت و به عنوان قدرتمندترین نهاد اجتماعی، وظیفه تأمین آن را دارد تا جایی که می‌توان ادعا کرد که دولت اسلامی، دولت نظام قرآنی تأمین اجتماعی با هدف تأمین حیات طیبه افراد جامعه است.

کتاب‌شناسی

۱. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲. الصحیفة السجادیة، قم، الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۳. آراسته‌خو، محمد، تأمین و رفاه اجتماعی، چاپ هفتم، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱ ش.
۴. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، تونس، دار الکتب التونسیه، ۱۹۸۴ م.
۶. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ق.
۸. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابوزهرة، محمد، التکافل الاجتماعی فی الاسلام، قاهره، دار الفکر العربی، ۱۹۹۱ م.
۱۰. اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیة مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، تهران، سروش، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. اخوان بهبهانی، علی، با همکاری ایروان مسعودی اصل، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. ایوب، حسن، السلوک الاجتماعی فی الاسلام، چاپ دوم، قاهره، دار السلام، ۲۰۰۶ م.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار ﷺ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. حامد مقدم، احمد، پژوهشی در نظام حمایتی اسلام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای به نشانی <https://farsi.khamenei.ir>، ۱۳۹۸ ش.
۱۸. حسینی، سیدرضا، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ ش.
۱۹. دادمرزی، سیدمهدی، فقه استدلالی، چاپ بیست و چهارم، قم، کتاب طه، ۱۳۹۲ ش.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. زبیدی، محب‌الدین ابوفیض سیدمحمد مرتضی بن محمد حسینی واسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. سالاری فر، محمدرضا، محمدصادق شجاعی، سیدمهدی موسوی اصل، و محمد دولتخواه، بهداشت روانی یا نگرش به منابع اسلامی، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
۲۴. شاملو، سعید، بهداشت روانی، چاپ سیزدهم، تهران، رشد، ۱۳۷۸ ش.
۲۵. شعیری، تاج‌الدین محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، المطبعة الحیدریه، بی‌تا.
۲۶. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، چاپ شانزدهم، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۲۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ دوم، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.

۲۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، بیروت، علمی، ۱۳۹۳ ق.
۲۹. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۰. طبرسی، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
۳۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۳۲. همو، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. عاقلی، فضیله، *التکافل الاجتماعی فی الاسلام و ابرز صورہ*، الجزائر - طرابلس، مرکز جیل البیث العلمی، ۲۰۱۵ م.
۳۴. عبدالباقی، محمد فؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ پنجم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۲۸ ق.
۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن حسن بن علی بن احمد، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم، رضی، ۱۳۷۵ ش.
۳۶. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۷. فراهانی فرد، سعید، *سیاست‌های اقتصادی در اسلام*، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۳۹. قابل، احمد، *اسلام و تأمین اجتماعی؛ مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن*، روایات، اخلاق و فقه اسلامی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳ ش.
۴۰. القضاة، معن خالد، *فقه السیاسة المالیه فی الاسلام*، اردن، عالم الکتب الحدیث، ۲۰۰۷ م.
۴۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۴۲. کارگروه تدوین راهبردی مطالب درسی آموزش و پرورش سازمان تأمین اجتماعی، *تأمین اجتماعی برای همه*، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیه، ۱۳۹۴ ش.
۴۳. کافی، مجید، *سبک زندگی اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷ ش.
۴۴. کاویانی، محمد، *روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها*، چاپ دهم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶ ش.
۴۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۴۶. محمودی، مالک، و ابراهیم بهادری، *بهبیستی و تأمین اجتماعی در اسلام*، تهران، اداره کل روابط عمومی سازمان بهیستی کشور، ۱۳۸۹ ش.
۴۷. مطهری، مرتضی، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، چاپ پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۷۴ ش.
۴۸. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۴۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۵۱. منصور، جهانگیر، *قانون مجازات اسلامی*، چاپ صد و پنجاه و پنجم، تهران، دیدار، ۱۳۹۸ ش.
۵۲. موسوی، میرطاهر، و محمدعلی محمدی، *مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی*، تهران، دانژه، ۱۳۸۸ ش.
۵۳. میرزایی، رحمت، *مبانی مددکاری اجتماعی*، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴ ش.
۵۴. نیکویان، امیر، *قانون مدنی*، چاپ دوم، قم، حقوق اسلامی، ۱۳۹۷ ش.



موجز المقالات

الأمن في القرآن الكريم؛

دراسة تحليلية دلالية على ضوء نظرية الاستعارة التوجيهية

- محمّد حسين شيرزاد (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)
- محمّد حسن شيرزاد (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)
- محمّد شريفى (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة مازندران)

إنّ «الأمن» إحدى الحاجات الرئيسة للمجتمعات البشرية وأولها القرآن الكريم عناية فائقة. وعلى الرغم من أنّ ثلّة من الباحثين كرسوا بحوثهم على دراسة التعاليم الأمنية في هذا السفر المقدّس إلّا أنّ مراجعة بحوثهم تثبت أنّ معظم اهتمامهم انصرف إلى آيات تتناول إدارة مخاوف الإنسان وهواجسه الدنيوية مباشرة؛ ومنها الآية ٦٠ لسورة الأنفال المباركة. بينما هناك كمّ هائل من التعاليم القرآنية المتعلقة بالأمن، ليس في الاستخدام الحقيقيّ للألفاظ وإتّما في سياق تعبيرات استعارية بديعة. ومن أجل دراسة تلك التعبيرات الاستعارية، حاولت هذه المقالة بمقاربتها الدلالية المعرفية أن تلقى الضوء على دور الجهات الستّ في بناء الاستعارات المفهومية للأمن والفلتان الأمنى. أثبتت

هذه الدراسة أنّ الأمن في التعبير القرآنيّ يتمثّل في الجهات الثلاثة: الأعلى والأمام واليمين؛ بينما الفلتان الأمنيّ يُعبّر عنه بالجهات الثلاثة الأسفل، والوراء، واليسار. المفردات الرئيسة: لغة القرآن، علم الدلالة المعرفيّة، الاستعارة المفهوميّة، الاستعارة التوجيهيّة، الجهات الستّة.

مكانة حاجات الإنسان الأساسيّة في آيات القرآن، في ضوء نظريّة يوهان غالتونغ حول السّلم والعنف

- أحمد عليّ صاحب ناسي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)
- محمّد رضا حاجي إسماعيليّ حسين آبادي (أستاذ في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)
- مهديّ مطيع (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)

ليست الحرب في وجهة نظر «يوهان غالتونغ» إلا شكلاً من أشكال العنف، وإنّ السلام لا يُنال بترك النزاع والخصام؛ بل يستقرّ في غياب العنف. يعدّ غالتونغ العنف «اختلالاً وضراً يمكن تفاديه في سبيل تلبية حاجات الإنسان الرئيسة». ومن هذا المنظور فإنّ العنف هو الجور وغياب العدل، وإنّ كلّ عنفٍ بداية سلسلة متوالية من أعمال العنف التالية. إذن لا بدّ من كسر حلقة العنف لنيل السلام. وذلك لا يتيسّر إلاّ بقطع العلاقات الظالمة القائمة على التمييز بين الشعوب. ويرى أنّ الثقافة مصدر هذه العلاقات، وأنّ الدين باعتباره عنصراً جوهرياً للثقافة، يؤدّي دوراً حاسماً في إقرار السلام أو نشر العنف. السؤال الجوهرى لهذه المقالة هو: ما هي مكانة حاجات الإنسان الأساس في التعاليم القرآنيّة؟ هل يحترم القرآن هذه الحاجات ويعترف بها؟ الإجابة عن هذا السؤال بنعم تعني أنّ التعاليم الإسلاميّة سلميّة تناشد الصلح، بينما تفيد الإجابة السلبية بأنّ تلك التعاليم عنيفة معارضة للصلح. وخلصت هذه الدراسة الوصفية التحليلية إلى أنّ حاجات الإنسان الجوهرية تحتلّ مكانة سامية في القرآن، وأنّ تجاوز «الفساد» و«السيئة» و«العنف»، وتجاوز «المحاربة بغية الفساد في الأرض» و«الإرهاب» مؤشّر على إرادة الإسلام لمكافحة العنف والإرهاب.

المفردات الرئيسة: الإسلام، العنف، السلام، القرآن، الحاجات الأساس، يوهان غالتونغ.

دراسة في مفهوم النظام القرآني للتأمين الاجتماعي

في ضوء مفهوم الحياة الطيبة

- مهديّ عبد اللّهيّ پور (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- سيّد محمّد نقيب (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- عليّ غضنفرى (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- عليّ زهراب (طالب دكتوراه في التفسير المقارن بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)

عادة يُختزل المفهوم السائد للتأمين الاجتماعيّ، في دعم الحكومات المعيشي لأبناء المجتمع. ومفهوم التأمين الاجتماعيّ وإن كان مستوحى من تعريف معاصر ومصطلح عليه وفي الرؤية الغربيّة العلمانيّة لحاجات الإنسان الماديّة؛ إلاّ أنّه يبدو أنّ هذا الموضوع لن يعيق بحال تقديم مفهوم جديد عن هذا المصطلح. تركّزت هذه الدراسة الوصفية التحليلية بالتحديد على أنّه كيف يمكن صياغة مفهوم عن التأمين الاجتماعيّ، على أن يكون قائماً على الحياة السعيدة المرجوة ومستلهمًا من التعاليم القرآنيّة؟ عرض القرآن الكريم نمط حياة للإنسان وعبر عنه بـ«الحياة الطيبة» التي تميّز بسماوات، منها أنّها حياة دائمة، ونابعة من مراتب الإيمان وتجسيد للعمل الصالح، وحياة كريمة آمنة تجلب الهدوء والاطمئنان، وحافلة بالسعادة والسرور. في هذا النمط ليس تأمين الحياة الماديّة والمعاش مغفولاً فحسب؛ يُعدّ من أهمّ عناصره ومقوماته. من جانب آخر، بما أنّ هناك مقاربات شتىّ تجاه كرامة الإنسان تناشد حتّى في مفهومها السائد، ضمان الكرامة الإنسانيّة، وبما أنّ هذا الهدف الساميّ من الأهداف الرئيسيّة لهدى القرآن الكريم، فإنّ النظام القرآنيّ للتأمين الاجتماعيّ يرتبط ارتباطاً وثيقاً بمفهوم الحياة الطيبة باعتبارها حياة الإنسان المنشودة. وزبدة القول أنّ هذا النظام نظام متناغم مع الحياة الطيبة تحاول تأمين كرامة الإنسان الاجتماعيّة وأمنه وطمأننته في كلتا الدارين، والدولة الإسلاميّة بوصفها السلطة الحاكمة وأقوى كيان اجتماعيّ، لها الدور الأبرز في تأمينها؛ بحيث يمكن القول بأنّ الدولة الإسلاميّة، هي دولة النظام القرآنيّ للتأمين الاجتماعيّ.

المفردات الرئيسيّة: التأمين الاجتماعيّ، دراسة المفهوم، النظام القرآنيّ، الحياة الطيبة.

دراسة أساليب القرآن الكريم في الإقناع حول القيامة

- سحر مصلى نجاد (ماجستير اللسانيات بجامعة بيار نور بشيراز)
- محمد هادي فلاحى (أستاذ مساعد بالمركز الإقليمي للإعلام العلمى والتقنى بشيراز)
- بهزاد مریدی (أستاذ مساعد فى قسم اللسانيات واللغات الأجنبية بجامعة بيار نور بشيراز)

استخدم الله تعالى فى القرآن أساليب شتى لإقناع المتلقى وإثبات حقايقته كلامه. فعملية الإقناع تُعدّ من أكثر مباحث تحليل الخطاب تداولاً، وتُستخدَم لأجل ضبط ذهن المتلقى وإلقاء الرسالة. سلّطت هذه الدراسة الضوء على أساليب الإقناع وكيفية استخدامها لتشجيع المتلقى على متابعة موضع القيامة فى كلّ من سورة القيامة والواقعة والغاشية والنبأ وعبس، واستخدمت فى دراسة مقومات الإقناع وعناصره نموذج هاولند ونموذج استعراض الحقيقة للتفسير المعرفى. واعتمدت الدراسة ترجمة القرآن لآية الله مكارم شيرازى، وأيضاً ترجمة تفسير الميزان وتفسير النور. أثبتت النتائج المستخلصة عبر المنهج الوصفى التحليلى استخدام جميع أجزاء النموذجين فى السور المذكورة كلّها. وعلى أساس نموذج هاولند تضمّن هذه السور استدلالات كثيرة، والتخويف والتهديد والسؤال والإجابة أكثر من آليات الإقناع الأخرى. ونظراً لإقامة الأدلة الكثيرة فى جميع السور المذكورة، فقد تبين أنّ الأسلوب المركزى الذى يؤكّد على محتوى الرسالة الاستدلاليّ، أكثر استخداماً، الأمر الذى يدلّ على المقاربة القرآنية الإقناعية القائمة على التفكّر.

المفردات الرئيسية: الخطاب، الإفحام، الإقناع، القرآن، القيامة.

نمط فى تطوّر علم تناسب السور القرآنية:

تناسب سورتي الفتح ومحمد ﷺ نموذجاً

- صديقه جنتى فيروز آبادى (ماجستير فى علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- أحمد زارع زردينى (أستاذ مشارك فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- كمال صحرائى أردكانى (أستاذ مساعد فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)

تشكّل معرفة تناسب السور القرآنية والسعى إلى دراسة بنيتها الهندسية أحد اهتمامات الباحثين المعاصرين من أجل اعتمادها فى مختلف البحوث التفسيرية والكلامية. ومن

مجالات البحث في علم التناسب الأطلاق على معطيات الباحثين القدامى والمعاصرين والجمع بينها وبالتالي تقديم حلول في العلوم القرآنية. يُعَدُّ الدراسة الخطية أو «ترتيب السور» و«تناسب السور» من الاتجاهات القديمة في علم التناسب، وهو اتجاه خطي تمامًا. وما زال هذا الاتجاه له أنصار ومؤيدون. تسعى هذه الدراسة إلى تطوير هذا الاتجاه في دراسة بنية القرآن الكريم عبر الجمع بين معطيات البحوث القديمة والجديدة، وتطبيق تلك المعطيات في تحليل الترابط القائم بين سورتي محمد ﷺ والفتح. تدلّ نتائج هذه الدراسة على وجود علاقات مختلفة من الصلات اللفظية والدلالية على المستوى الصغير والكبير. وتشير نتائج هذه الدراسة إلى توفير المجال الأحسن لفهم أمثل للسورتين، وإيضاح أفضل للبنية النصية للقرآن الكريم، وتقديم ردود دامغة على الشبهات المتعلقة بتعددية بنية (نص) القرآن الكريم، وإماطة اللثام عن جمالياته.

المفردات الرئيسية: سورة محمد ﷺ، سورة الفتح، العلاقات النصية، تناسب سور القرآن، معرفة بنية القرآن.

نمط العوامل المؤثرة في مسار التأليف في العلوم القرآنية

(من القرن ٦ حتى ١٠) في سياق النظرية البنائية

- نجمة نجم (طالبة دكتوراه بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)
- مهدي مهريزي طرقي (أستاذ مشارك بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)
- محمد علي مهدي راد (أستاذ مشارك بمجمع فارابي التابع لجامعة طهران)
- سيد محمد علي آيازي (أستاذ مساعد بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)

تدرس هذه المقالة من خلال المقاربة التفسيرية الفكرية العلمية والاجتماعية العوامل المؤثرة في التطورات الطارئة على التأليف في علوم القرآن. رأت ثمانية كتب في علوم القرآن النور طوال القرن ٦ حتى ١٠ للهجرة، وتركت بصماتها على تلك الحقبة، فلذلك استأثرت باهتمام البحث. تبنت المقالة منهج البحث الوثائقي والتحليل التاريخي في عملية البحث، كما اعتمدت في تحليل البيانات والمعلومات وعرض النمط النهائي، النظرية البنائية (GT). وظهرت نتائج البحث في ١٨ موضوعاً في مسار التطور وتم

تصنيف الموضوعات المذكورة على وفق مدى تأثير العوامل، المدى العالی والمتوسط والقصير. والجدير بالذكر أنّ النمط النهائي للعوامل المؤثرة في مسار تطوّر التأليف في علوم القرآن تمّ في سياق النظرية البنائية التي تتكوّن من أجزاء هي: العوامل العلية بما فيها شخصية المؤلّف، واختصاصه العلمي، والعوامل الثقافية الاجتماعية لعصر المؤلّف، معاصروه وتأثره بما سبقه من الكتاب والمصادر، وتأثير المؤلّف في ما تلاه من الكتاب والمصادر، هوية النصّ وثاقته (بما فيها هيكلته ووظائفه ومحتوياته). العوامل السياقية أو الظرفية مثل الظروف الزمكانية، هجرة المؤلّف وأسفاره المتعدّدة، شمولية عناوين المصدر، قَدَم واشتہار الكتاب ومؤلفه. أمّا العوامل الوسيطة فهي كالمسلمات الأخلاقية للمؤلّف، والعوامل السياسية والاقتصادية لعصره، حرّية المؤلّف الفكرية أو تزمته. هذا وتطرّق البحث إلى الإستراتيجيات ونتائجها أيضًا.

المفردات الرئيسية: علوم القرآن، التحليل التاريخي، العوامل المؤثرة، تطوّر التأليف، النظرية البنائية، القرن ۶ حتى ۱۰.

منهج ونموذج نويورت في استعراض العملية التواصلية في القرآن

- علىّ راد (أستاذ مشارك بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
 - سيّد محمّد موسىّ مقدّم (أستاذ مشارك بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
 - مريم سرخيل (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
- استأثرت دراسة العلاقة بين القرآن والكتاب المقدّس باهتمام الباحثين الغربيين. ومنهم الباحثة آنجليكا نويورت التي تناولت هذه العلاقة في دراستها القرآنية بمقاربة لسائبة. انتقدت نويورت البحوث التي تزعم أنّ القرآن استنساخ عربيّ للإنجيل أو المسيحية، وعدت القرآن كتابًا مقدّسًا مستقلًّا جسّد ذروة القدسية في الكتب السماوية من جهة، واستطاع تطبيق أهدافه الدينية. درست نويورت عملية توجيه الخطاب في القرآن إلى المتلقّي بشكل شفهيّ وبمثابة مسرحية. إنّها تعدّ القرآن نصًّا تواصلياً يتعامل مع المتلقّين، والذي تمكّن من الردّ على إشكاليّاتهم وأسئلتهم. استعرض الباحثون في هذه المقالة الوصفية التحليلية في البداية نظرية نويورت، وأيضًا نظرية الفعل التواصلية ليورغن هابرماس، ثمّ سلطوا الضوء على تطبيق نويورت لنظرية هابرماس. أظهرت نتائج البحث

أن نويورت استفادت من «نظريّة الفعل التواصلي» لهابرماس . حاولت نويورت أن تثبت تفرد القرآن واستقلاله إلا أن جهودها تعثرت في الدراسة التزامنيّة القائمة على السورة القرآنيّة، حيث اشتمت في بعض المواطن مع المقاربة المسيحيّة .
المفردات الرئيسيّة: نويورت، هابرماس، العمليّة التواصليّة، القرآن، الأدبيّ، التناصّ، الأرضيّة التاريخيّة.

تطبيق مقاربة «البنية المعرفيّة» في أساليب تعليم القرآن في سياق التعلّم ذي المعنى

- زهراء صفيان جوزدانيّ (ماجستير في العلوم والمعارف القرآنيّة)
- رضا سعادت نيا (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، كليّة أصفهان)

ارتكزت هذه الدراسة على أهميّة البنية المعرفيّة وتعزيزها في نطاق النشاطات التعليميّة. والبنية المعرفيّة هي الطريقة التي ينظّم المتعلّم معلوماته وبياناته العلميّة في ذهنه. يسفر تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها إلى نتائج بارزة، منها جعل التعلّم ذا معنى، يعني ربط المعطيات العلميّة الجديدة بالمرتكزات العلميّة السابقة في بنية المتعلّم المعرفيّة، بحيث كلّما كانت هذه الصلة أوثق وأمتن، ازداد الإدراك عمقًا. وعلى وفق الآية ٩ لسورة الإسراء: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...﴾ نؤمن بأنّ القرآن الكريم يعرّف بأساليبه في سياق مهمّته التعليميّة والهدى الأقوم. ولذلك فإنّ هذه المقالة الوصفية التحليليّة بصدد استخلاص الأساليب القرآنيّة في تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها وإيضاح مكانة البنية المعرفيّة في عمليّة التعلّم، عبر التأمل في القرآن ونصوص التربية والتعليم. أظهرت نتائج هذه الدراسة أنّ تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها في القرآن يخضع لمناهج وإستراتيجيات تشتمل على كلّ من: تناول المحتوى في سياق الأحداث، وتوفير الأرضيّة خلال الحوار مع الآخرين، وتوفير الأرضيّة عبر السرد القصصيّ، تعدديّة وجوه الحوار المباشر مع المتلقّي، ربط الكلام إلى الأركان البارزة للكلمات السابقة، وإدخال عنصر العاطفة، مثل التصوير، والتكرار الإيقاعيّ، في إطار هرم البنية المعرفيّة.
المفردات الرئيسيّة: القرآن، تعزيز البنية المعرفيّة، التعلّم ذو المعنى، أوزوبل.

آراء أبي القاسم الكعبي البلخيّ التفسيرية، دراسة تحليلية

- حسن خرقانيّ (أستاذ مشارك بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
 - علي أكبر رستمی (أستاذ مساعد بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
 - سيد محمد عليّ فهمي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- علم التفسير مدين لمساعي مفسرين قاموا بشرح كتاب الله وتبيينه. ضاعت بعض تلك التفاسير؛ لكن آراء أصحابها حول بعض الآيات ما زالت تحتفظ بها المصادر. ومنهم أبو القاسم الكعبيّ البلخيّ المتكلم والمفسر المعتزليّ. تتناول هذه المقالة الوصفية التحليلية بعض آراء الأخير التفسيرية، ويتضح في ضوئها أنه يفسر الآيات بالمنهج القرآنيّ العقليّ، ويولي السياق ودقائق التعبير أهميّة كبيرة في فهم مراد الله تعالى. ومن هنا يرى أنّ المقصود بالكلمات التي ابتلى الله بها إبراهيم عليه السلام، هو الإمامة والتي أتمها الله سبحانه. كما أنه يعرض عن القول المشهور في سورة القيامة، متبنيًا ويعتقد أنّ المقصود بالقرآن هو قراءة كتب الأعمال. تحظى الاستدلالات العقلية والكلامية بمكانة متميزة عنده، حيث إنه يرى أنّ آدم عليه السلام قبلة الملائكة وليس مسجودهم، وجنة آدم أرضية، كما أنه لا يقبل «عالم الذر»، ويعتبر عقول بني آدم شاهدًا على ربوبية الله. إلى ذلك لا يرى الحكومة والخلافة شرعية للكفار والظالمين كونها عهدًا إلهيًا. ومن مباحثه التفسيرية قراءات القرآن وفقهه أيضًا.
- المفردات الرئيسة: أبو القاسم الكعبيّ البلخيّ، تفسير القرآن، المواقف التفسيرية، المناهج والاتجاهات التفسيرية.

تقرير غير واعد عن المعاد

على أساس معادلة الرجاء للتصديق في الآية ۷ لسورة يونس

- سيّدة فاطمة كيانی (ماجستير في علوم القرآن والحديث بجامعة قم)
 - سيد قاسم كيانی (مدرّس المستويات العليا للعلوم العقلية بحوزة قم العلمية)
- ذكر المفسرون في إيضاح مادة «الرجاء» في قوله تعالى: ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾ (يونس / ۷) احتمالات شتى مثل الخوف والطمع والتوقع والتصديق. وعلى الرغم من أنّ «التصديق» من مدلولات يبدو ضروريًا إيضاح علاقته الدلالية مع الرجاء للتباعد الدلاليّ بين دلالاته الوضعية والرجاء، إلا أنّ المفسرين لم يتطرقوا إلى ذلك، الأمر الذي جعل جواز حمل

التصديق على الآية مكتنفًا بضابيّة. وهناك إشكالية ثانية في معظم التفسيرات السابقة بما فيها «التصديق»، وهي عدم العناية بالطابع التحفيزي للآية في الدعوة إلى النزعة الأخروية المتفائلة بدلاً من القناعة العقلية بالآخرة، لكن لم تعتن التفسيرات بهذه النقطة على الرغم مما يؤيدها مثل تخيّر مفردات الآية ونظمها. بتعبير أوضح حينما يقرأ المتلقّي التفسير ينصرف ذهنه إلى الإيمان بالمعاد والتداعيات الخطيرة لرفض المعاد بوصفها مبدأ عقائديًا، في حين تسعى الآية إلى فتح نافذة أخرى على المتلقّي لا تقدّم المعاد في سياق قناعة ومبدأ عقائديّ لازم الطاعة، كما أنّ الآية بصدد لفت انتباه المتلقّي إلى الأمل والتفاؤل في المعاد، أو بتعبير أوجز إلى النزعة الأخروية لا إلى الإيمان بالمعاد. قدّم هذا البحث تقريرًا تحليليًا عن الرأي القائل بمعادلة الرجاء للتصديق، والادّعاء القائل بأنّ هذه الآية بفكرتها الرئيسة وهي المعاد، بصدد ترسيخ النزعة إلى الحياة الأخروية وليست تكوين رؤية أو فكرة عنها. المفردات الرئيسة: الرجاء، التصديق، المعاد، الإيمان.

دراسة ونقد في آراء المفسّرين حول

«آيات النهى عن التعجيل في الوحي»

□ سيّد روح اله دهقان باغی

□ أستاذ مساعد في قسم المعارف بجامعة شيراز الطبيّة

تعددت التفسيرات الشيعيّة والسنيّة للآيات ١٦ حتّى ١٩ لسورة القيامة والآية ١١٤ لسورة طه، والتي تنهى الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله عن التعجيل في قراءة القرآن. أطلق الباحث في هذه المقالة على تلك الآيات «آيات النهى عن التعجيل في الوحي». وظهرت ستة آراء للمفسّرين عن الآيات المذكورة بعد دراسة في أمّهات تفاسير الفريقين، حيث إنّ الرأي الأول المتفق عليه شيعيًّا وستّة، قائم على النهى عن التعجيل في قراءة القرآن لدى تلقّي الوحي، وظلّ هذا الرأي محطّ العناية طيلة خمسة عشر قرنًا مضى على نزول القرآن. أمّا الآراء الخمسة المتبقية فلا تحظى باتّفاق المفسّرين كلّهم، ولم تكن مطروحة في جميع القرون المنصرمة؛ بل تبنّى بعضها منهج تفسيريّ واحد أو عدد من التفسيرات. وكلّ واحد من الآراء تعانى إشكاليات متعدّدة تعدّر الاعتراف بها. هذه الدراسة المكتبيّة والوصفيّة التحليليّة المقارنة المصحوبة بالنقد العقليّ والنقلّي والتاريخيّ، كما أيّدت نزول القرآن

دفعه واحدة على وفق سورة القدر وغيرها من الآيات والأحاديث المتعلقة، اعتبرت هذا النزول قبيل نزول آيات النهى عن التعجيل فى سورة القيامة، ورأت فى ضوء رواية عن الإمام الصادق عليه السلام أنّ «النهى عن التعجيل» صدر تنبيهاً، وسبق ارتكاب المنهى عنه من جانب الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله ومع الأخذ بعين الاعتبار أنّ القرآن فى نزوله الدفعى لم يتمّ إبلاغه. المفردات الرئيسية: آيات النهى عن التعجيل، النزول الدفعى، الوحي، العلم الحضورى، نسيان الوحي.

المراد بقراءة القرآن فى الآية الأخيرة لسورة المزمل، وحكمها الشرعى

- حميد وحيدان أردكان (طالب دكتوراه فى علوم القرآن والحديث بجامعة فردوسى مشهد)
- حسن نقى زادة (أستاذ بجامعة فردوسى مشهد)
- محمّد حسن رستمى (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى مشهد)

أمر المسلمون فى الآية الأخيرة لسورة المزمل بقراءة القرآن. والآراء متضاربة فى تحديد المراد بالقراءة. فمن الباحثين من يرى أنّ المراد بقراءة القرآن فى الآية هو مطلق القراءة، ولا يراد بها القراءة التى تُعَدُّ من واجبات الصلاة غير الركنية. ومنهم من يرى أنّ المراد بهذه القراءة هو مطلق القراءة فى الصلوات بما فيها الفرائض والمستحبات. استنبط ثلثة من الأعلام من هذه الآية وجوب القراءة فى الصلوات اليومية، مثل السيد المرتضى، والعلامة الحلى، والمحقق الكركى، وآية الله الخوئى، كما استنبط آخرون منها الأمر باستحباب صلاة الليل. لو دققنا فى دلالة «قيام الليل» واستعمالاته فى النصوص المتقدمة، والمقام وسياق الآية والسورة اتضح أنّه لا يمكن التسليم بالأقوال الثلاثة الأولى لأنها تخالف ظاهر الآية وسياق السورة، وتخالف مقام القول والروايات المأثورة. أمّا القول الرابع فتؤيّد أدلّة مثل موافقته مع القواعد البلاغية، ومطابقته لسياق الآية والسورة، مقام القول والروايات الشريفة. ويتبين أيضاً أنّ فعل الأمر المخاطب فى التعبير القرآنى يفيد الاستحباب على خلاف ظاهره. هذا وتتطوى المقالة فى ثناياها على معطيات جديدة ومنها الدراسة فى دلالة «قيام الليل» واستخدامها فى هذا البحث والاستدلال على مقام القول وسياق السورة، وردّ العجز إلى الصدر. المفردات الرئيسية: سورة المزمل، آيات الأحكام، واجبات الصلاة، قيام الليل، قراءة القرآن.